

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز ہفتم لائودیکیہ ای - شماره بیست و سه

Jeff Pippenger

2026-01-04

تعداد بیست و سه

در مقالہ بیست و دو نوشتہ: «سپس در باب یازدہم، نسب نامہ قوم برگزیدہ با دہ نام، از سام تا ابرام، نمایانہ می شود. باب یازدہم، داستان برج بابل است، اما ہمچنین نسب نامہ قوم برگزیدہ را نیز، آن گونہ کہ در ابراہیم نمایندگی می شود، دربر دارد. باب یازدہم قومی برگزیدہ را معرفی می کند کہ می بایست با خدا بہ عہدی سہ گانہ در آیند. گام سوم و نہایی، قربانی کردن اسحاق در باب بیست و دو بود. باب «یازدہ» آغاز آلفا و باب «بیست و دو» پایان امگا است. ایمانی کہ برای شنیدن صدای خدا در معنای نام ہا لازم است، ہیچ تفاوتی با ایمانی ندارد کہ برای شنیدن صدای او در شمارہ گذاری کلامش لازم است.»

باب یازدہم، عہد قائن و عہد ہابیل را ارائه می کند. ما در طول سال ہا بار ہا نشان دادہ ایم کہ ویژگی ہای نبوی برج بابل، نمایانگر عہدی جعلی است. پس از طوفان، تغییری در تدابیر الہی پدید آمد: پیش از طوفان، عبادت نزد دروازہ عدن انجام می شد، و پس از طوفان، عبادت می بایست بر مذبح صورت گیرد. مذبح دارای الزامات مشخص کتاب مقدسی بود. می بایست از سنگ طبیعی برپا شود، بی آنکہ سنگ بہ دست انسان تراشیدہ یا قلم زدہ شدہ باشد. لازم بود سنگ بر سنگ نہادہ شود، بی ہیچ ملاطی.

مقصد بُرج یہ تھا کہ نمرود کے حواری اپنے لیے ایک نام پیدا کریں، جو کردار کی نمائندگی کرتا ہے۔ اس بُرج میں ہم انسان کو دیکھتے ہیں کہ وہ اپنے آپ کو بچانے کی کوشش کر رہا ہے، اور اپنے آپ کو آسمان کے خداؤں کے طور پر بلند کر رہا ہے۔ یہ بُرج اُس کلیسیا کی علامت ہے جو یہ سمجھتی ہے کہ وہ اپنے آپ کو بچا سکتی ہے، اور یہ بھی سمجھتی ہے کہ اسے بلند کیا جانا چاہیے، جیسا کہ زبور 83 میں دس بادشاہ کرتے ہیں، جب وہ بابل کی نبوت کی بدکار متحدہ سازش میں پاپائی سر کو بلند کرتے ہیں، جو سنڈے لاء کے وقت واقع ہوتی ہے۔

نغمہ یا زبور آسف۔ اے خدا، خاموش نہ رہ؛ سکوت نہ فرما، اور اے خدا، ساکن نہ رہ۔ کیونکہ دیکھ، تیرے دشمن ہنگامہ برپا کرتے ہیں، اور جو تجھ سے عداوت رکھتے ہیں انہوں نے سر اٹھایا ہے۔ زبور 83:1، 2۔

جہان بہ تازگی بہ وسیلہ طوفان نوح نابود شدہ بود، و علتی کہ خدا برای بستہ شدن مہلت فیض بر جہان پیش از طوفان بیان کرد این بود کہ افکار انسان پیوستہ شرارت شدہ بود۔ کتاب مقدس بہ شیوہ ہای گوناگون از یگانگی سخن می گوید کہ یکی از آن ہا این است کہ «چشم در چشم» باشند۔ آیا دو نفر می توانند با ہم راہ بروند، مگر آنکہ با یکدیگر موافق باشند؟

اکنون، ای برادران، شما را بہ نام خداوند ما عیسی مسیح استدعا می کنم کہ ہمہ یک سخن بگویید و در میان شما ہیچ انشقاقی نباشد، بلکہ در یک فکر و یک رأی، کاملاً بہ ہم پیوستہ باشید۔ اول قرنتیان 1:10۔

ہنگامی کہ خدا در داوری بر پادشاہی نمرود زبان را مشوَّش ساخت، این امر نشان می دہد کہ پیش از آن آشفتگی، ہمہ ایشان در وحدت بودند، و بنابراین ہمگی دارای یک خصلت واحد بودند، و آن

خصلت، دینی مبتنی بر اعمال انسانی بود—در مقابل کسانی که در همان فصل به وسیله ابراهیم نمایانده شده‌اند. سام در روزگار نمرود، نفسی امین بود. مورخان به سام اشاره می‌کنند به عنوان کسی که نمرود، آن یاغی زورآور در برابر خداوند، را کشت. مقصود، حتی بدون دیدگاه‌های مورخان نیز، برقرار است، زیرا سام مرد عهد است، که خون خود را به نوح، مرد عهد، می‌رساند، و او نیز خون خود را به شیت، مرد عهد دیگری، می‌رساند؛ همان که برای جانشینی برادرش هابیل، که او نیز مرد عهد دیگری بود و از نسل مستقیم آدم به شمار می‌آمد، وارد تاریخ عهد شد.

پیدایش باب یازدهم، همان جدال عظیم میان مسیح و شیطان است، در چارچوب عهد حیات و عهد موت. نمرود نمایانگر آن شکارچی عظیم در حضور خداوند است، زیرا او نماینده کلیسایی است که پیروان بسیار دارد. ابرام، از طریق سام، نمایانگر کلیسایی است که جز اندک پیروانی ندارد. سام در زمانی که نمرود برج خود را بنا می‌کرد، مرد عهد بود؛ اما آن دو عهد در باب یازدهم نه به وسیله سام و نمرود، بلکه به وسیله نمرود و ابراهیم نمایانده شده‌اند. پولس این قاعده نبوی را به روشنی مشخص می‌سازد.

زیرا این ملکیصدق، پادشاه سالیم، کاهن خدای متعال، که ابراهیم را در بازگشت از کشتار پادشاهان ملاقات کرد و او را برکت داد؛ و ابراهیم نیز ده یک همه چیز را به او داد؛ که نخست، به حسب تفسیر نام، «پادشاه عدالت» است، و پس از آن نیز «پادشاه سالیم»، یعنی «پادشاه صلح»؛ بی‌پدر، بی‌مادر، بی‌نسب، که نه آغاز ایام دارد و نه پایان حیات؛ بلکه همانند پسر خدا ساخته شده است؛ و تا ابد کاهن باقی می‌ماند. اکنون ملاحظه کنید که این مرد تا چه اندازه بزرگ بود که حتی ابراهیم پدر قوم نیز ده یک غنایم را به او داد.

و به راستی آنان که از پسران لاوی‌اند و منصب کهنات را دریافت می‌کنند، حکمی دارند که مطابق شریعت از قوم، یعنی از برادران خویش، عشر بگیرند، هرچند ایشان از صلب ابراهیم برآمده‌اند:

दी आशीष उसे और, लया दशमांश से अब्राहाम उसने, जाता गनि नहीं में वंशावली अपनी उनसे जो परन्तु और है। पाता आशीष से बड़े छोटा कनिही विवाद का प्रकार किसी इसमें और थी। परतजिजाएँ पास जिसके वह कहि है गई दी साक्षी में वषिय जिसके, है लेता उन्हें वही वहाँ पर; है लेते दशमांश मनुष्य मरनेवाले तो यहाँ जब क्योकि दिया। दशमांश द्वारा के अब्राहाम, है लेता दशमांश जो, भी ने लेवी, तो कहूँ ऐसा और है। जीवति 7:1-10.इब्रानियों था। में कटकि पति अपने वह तब, मलिा उससे मलकिसिदिक

در موضوع ملکیصدق، حقیقت حاضر فراوانی نهفته است؛ اما من صرفاً بر این نکته تصریح می‌کنم که پولس به صراحت تعلیم می‌دهد که ویژگی‌های نبوی مردان عهد—و از این مقصودم مردان و زنانی است در شهادت الهام‌شده که شهادت کتاب مقدسی ایشان نشانه‌ای را در خط نبوی عهد خدا با بشر مشخص می‌سازد—چنین است. پولس تعلیم می‌دهد که ملکیصدق، که پیش از برپا شدن کهنات لاوی در سینا می‌زیست، و بنابراین بیش از چهارصد سال پیش از آنکه کهنات لاوی وجود داشته باشد، از لاوی ده یک پذیرفته بود. برای آنکه کسی در کهنات لاوی باشد، باید لاوی‌ای می‌بود که می‌توانست انتساب خونی خود را به لاوی اثبات کند. ملکیصدق نمی‌توانست نشان دهد که نسب او از خط لاوی است، زیرا لاوی هنوز زاده نشده بود.

سلسله نبوتی که عهد خدا با آدم و حوا را نمایندگی می‌کند، در واقع شامل دو عهد است. نخستین، عهد حیات بود با آزمونی ساده. پس از سقوط و آن آزمون ناکام، عهد بعدی خون بره‌ای را دربر گرفت تا جامه‌ای فراهم شود. سپس عهد خدا با نوع بشر بود که با رنگین‌کمان، نوح، و عبادت مذبج نمایانده شد. سپس در باب یازدهم پیدایش، عهد خدا با قومی برگزیده که عبرانیان خوانده می‌شدند، آغاز شد. در هر یک از این روایت‌ها، شخصیت‌های کتاب مقدسی مردان یا زنان عهد هستند.

در پیدایش یازده، آغاز عهد حیات با قومی برگزیده مطرح می‌گردد، و این امر درست در همان جایی مطرح می‌شود که نمرود عهد مرگ را برقرار می‌سازد؛ عهدی که به وسیله آجرها و ملاط نمود یافته است، و اینها بدل جعلی سنگ‌های نتراشیده و بی‌ملاطی بودند که مذبح آن را نمایندگی می‌کرد. خواهر وایت به ما آگاه می‌سازد که مذبح نمایانگر مسیح است؛ از این رو، دین نمرود، که دینی جعلی است، نمایانگر مسیحی جعلی است.

و ایشان با یکدیگر گفتند: «بیایید خشت بسازیم و آن را نیک بپزیم.» و ایشان را خشت به جای سنگ بود، و قبر به جای ملات. پیدایش 11:3.

و اگر برای من مذبحی از سنگ بسازی، آن را از سنگ تراشیده بنا مکن؛ زیرا اگر ابزار خود را بر آن بلند کنی، آن را نجس ساخته‌ای. خروج 20:25.

«ما در معرض خطر درآمیختن مقدس و عرفی هستیم. آتش مقدس برخاسته از خدا باید در کوشش‌های ما به کار گرفته شود. مذبح حقیقی، مسیح است؛ و آتش حقیقی، روح القدس. این الهام ماست. تنها آنگاه که روح القدس انسانی را رهبری و هدایت کند، او مشاوره امین و ایمن خواهد بود. اگر از خدا و از برگزیدگان او روی بگردانیم تا نزد مذبح بیگانه استعمال کنیم، مطابق اعمال خود پاسخ خواهیم یافت.» Selected Messages، کتاب 3، 300.

در میان دیگر حقایق، یکی از درس‌هایی که به گونه‌ای نبوی از پیدایش یازدهم برگرفته می‌شود، این است که آن نمایانگر آغاز یک خط نبوی است. طوفان نوح نشانه یک جدایی نبوی است. هنگامی که نوح از کشتی بیرون آمد، قرار بود شیوه‌ای نو برای عبادت برقرار شود، و شیوه عبادت همواره دو گروه از عبادت‌کنندگان پدید می‌آورد، چنان‌که در تاریخ قائن و هابیل بیان شده است. پیدایش یازدهم جهانی تازه است، با تاریخی آغازین که داستان بنیادی تاریخ پایانی می‌گردد، آنگاه که قوم عهد خدا در روزهای آخر، در خلال بحران قانون یکشنبه، کارگران ساعت یازدهم را از بابل فرا می‌خوانند. نمرود در خلال بحران قانون یکشنبه همان مرد گناه است، و سام، که همان ابراهیم است، در همان بحران عیناً مرد خدا است. پراکندگی و آشفته‌گی زبان‌ها در پیدایش یازدهم، اندکی پس از آن‌که نوح از کشتی بیرون آمد، آغاز شد. مضمون فصل یازدهم، دو عهد است، و این روایت هنگامی به نتیجه خود می‌رسد که گام سوم عهد ابراهیمی در فصل بیست‌ودو مطرح می‌شود.

یازدهمین باب، تاریخ آلفای نسل ابراهیم است که در باب بیست‌ودو به تاریخ امگا می‌رسد. داستان آغازین بابل نمرود و داستان پایانی تقدیم اسحاق، هر دو نمایانگر داوری نهایی بر بشریت هستند. این خط از برج نمرود آغاز می‌شود و تا تقدیم اسحاق امتداد می‌یابد، و این خط در دو تقدیم متقابل به اوج خود می‌رسد. تقدیم نمرود داوری اجرایی خدا را دریافت می‌کند، و داوری ابراهیم برکت خدا را دریافت می‌نماید. نمرود آلفای باب یازدهم است و ابراهیم امگای باب بیست‌ودو. امگا همواره بزرگ‌تر است، دست کم بیست‌ودو برابر بر وفق الفبای عبری؛ و قدرتی که در مشوش ساختن زبان‌ها و پراکنده کردن امت‌ها در سراسر زمین ظاهر شد، به مراتب از قدرت صلیب فروتر بود. برج نمرود نمایانگر برج‌های دوقلوی 11 سپتامبر است و تقدیم اسحاق نمایانگر قانون یکشنبه است.

د برگزیده قوم سره د ترون کرنه د یوولس شمېرې له سمبول څخه پیلېږي او د دوه ویشته له سمبول سره پای ته رسېږي. دغه کرنه د نمرود د الفا تاریخ او هم د ابراهیم د اومیگا تاریخ کې د ازمنښت د مهلت په پای کې ختمېږي. د نمرود او ابراهیم همدا تاریخ د بایبل په لومړي کتاب کې وړاندې شوی دی، او دا د نوح د سېلاب له ډېر نږدې ورانۍ څخه د ټوټو و راتلولو په متن کې اېښودل شوی دی. د بایبل په لومړي کتاب کې د دوو تړونونو تمثیل، دوه شاهدان برابروي چې د یوولسم فصل له کرنې څخه تر دوه ویشتم پورې د ازمنښت د مهلت پای څرګندوي.

آن که نارواست، همچنان ناروا بماند؛ و آن که ناپاک است، همچنان ناپاک بماند؛ و آن که عادل است، همچنان عادل بماند؛ و آن که مقدس است، همچنان مقدس بماند. مکاشفه ۱۱:۲۲.

نمرود همچنان ظالم و ناپاک است، و ابراهیم همچنان عادل و مقدس است، چنان که در الف پیدایش ۱۱-۲۲ و نیز در امگای مکاشفه ۱۱:۲۲ شناسانده شده اند. درست پیش از بسته شدن زمان آزمون، در آیه ۱۰ اعلامی صادر می شود که تا سخنان نبوت این کتاب را مهر نکنند. درست پیش از بسته شدن زمان آزمون، در آیه بعد، در مکاشفه نبوتی باید باشد که گشوده شود. دو آیه پس از آیه یازدهم، مسیح کلید گشودن آن نبوت را فراهم می آورد.

اور اُس نے مجھ سے کہا، اِس کتاب کی نبوت کی باتوں پر مہر نہ لگا، کیونکہ وقت نزدیک ہے۔ جو ناراست ہے، وہ ناراست ہی رہے؛ اور جو ناپاک ہے، وہ ناپاک ہی رہے؛ اور جو راست باز ہے، وہ راست باز ہی رہے؛ اور جو مقدس ہے، وہ مقدس ہی رہے۔ اور دیکھ، میں جلد آنے والا ہوں، اور میرا اجر میرے ساتھ ہے، تاکہ ہر ایک کو اُس کے کام کے مطابق بدلہ دوں۔

من الفا و امگا، آغاز و پایان، اول و آخر هستم. مکاشفه ۱۰:۲۲-۱۳.

باب بیست و دوم، باب امگای تمام کتاب مقدس است و کلید گشودن نبوت مہر شده در مکاشفه، همان اصلی است که مسیح در باب اول مکاشفه، بیش از همه بر آن تأکید فرمود. باب اول، نخستین حرف الفبای عبری است، و باب بیست و دوم، آخرین آن. در آیات نه تا یازده باب اول، یوحنا خود را معرفی می کند و مسیح را به عنوان آلفا و امگا معرفی می نماید.

من، یوحنا، که برادر شما و شریک در مصیبت و پادشاهی و صبر عیسی مسیح نیز هستم، در جزیره ای بودم که پطمس نامیده می شود، به خاطر کلام خدا و به خاطر شهادت عیسی مسیح. در روز خداوند در روح بودم، و از پشت سر خود آوازی بلند، همچون صدای شیپور، شنیدم که می گفت: من الف و یاء هستم، اول و آخر؛ و آنچه را می بینی در کتابی بنویس و آن را به هفت کلیسایی که در آسیا هستند بفرست: به افسس، و به اسمیرنا، و به پرغامس، و به طیاتیرا، و به ساردس، و به فیلالدلیه، و به لائودکیه. مکاشفه ۱۱:۹-۱۱

در آیه یازدهم، یوحنا در پطمس است، اما در آیه دوازدهم باز می گردد، و از آنجا به بعد در قدس آسمانی است. بدین سان، در آیات ۹/۱۱، با شهادت یوحنا روبه رو می شویم که عیسی را الف و یاء معرفی می کند؛ امری که عیسی پیش تر در آیه ۸ درباره خویشتن بیان کرده بود:

من الفا و اوامگا هستم، آغاز و انجام، خداوند می گوید، آن که هست و بود و می آید، قادر مطلق. مکاشفه ۸:۱.

در آیه هشت، یوحنا آنچه را که از مسیح شنیده بود که درباره خود می گفت، می نویسد. در آیات نه تا یازده، این خود یوحناست که درباره خویشتن سخن می گوید. این، در یازده آیه نخست، نمایانگر دو شاهد است که مسیح را به عنوان آلفا و امگا معرفی می کنند. آیات نه تا یازده، واحد مستقل اندیشه خود را تشکیل می دهند. هر چند با تمام فصل پیوستگی دارند، در این آیات یوحنا از خویشتن سخن می گوید، حال آنکه؛ در آیات چهار تا هشت، یوحنا از جانب الوهیت با کلیساهای او سخن می گوید. آیه چهار، واحدی از اندیشه را آغاز می کند که در آیه هشت پایان می یابد. این امر از طریق ویژگی های آغازین مسیح که بود و هست و هنوز خواهد آمد، شناخته می شود؛ ویژگی هایی که در آیه چهار معرفی شده و سپس بار دیگر در آیه هشت تکرار می گردد.

یوحنا، به هفت کلیسایی که در آسیا هستند: فیض و سلامتی بر شما باد، از جانب او که هست و که بود و که می آید؛ و از جانب هفت روحی که پیش روی تخت اویند؛ و از جانب عیسی مسیح، که شاهد امین و نخست زاده از مردگان و فرمانروای پادشاهان زمین است. او که ما را محبت نمود و

ما را از گناهانمان به خون خود شست، و ما را برای خدای خود و پدرش پادشاهان و کاهنان گردانید؛ او را جلال و سلطنت باد تا ابدالآباد. آمین. اینک، او با ابرها می‌آید؛ و هر چشمی او را خواهد دید، حتی آنان نیز که او را نیزه زدند؛ و تمامی قبایل زمین به سبب او ماتم خواهند کرد. آری، آمین.

من الف و امگا هستم، آغاز و انجام، خداوند می‌گویند، آن که هست و آن که بود و آن که می‌آید، قادر مطلق. مکاشفه ۱:۴-۸.

سه آیه نخست فصل اول، مکاشفه عیسی مسیح را عرضه می‌دارند؛ مکاشفه‌ای که اندکی پیش از بسته شدن مهلت آزمایش گشوده می‌شود، زیرا آیه سه می‌گوید: «وقت نزدیک است.» عبارت «وقت نزدیک است» همان بیان عیناً یکسان آیه ده از فصل بیست و دو است که می‌گوید: «سخنان نبوت این کتاب را مهر مکن، زیرا وقت نزدیک است.» نبوتی که گشوده می‌شود، مکاشفه عیسی مسیح است.

آیه چهارم آغاز گشوده شدن مُهرهاست، و آیه چهارم با شهادت یوحنا آغاز می‌شود: «من، یوحنا؛ و سپس در آیه هشتم این مسیح است که خویشتن را معرفی می‌کند. در نخستین این پنج آیه، شاهی انسانی حضور دارد و در پایان، شاهی الهی. آیه چهارم، پدر آسمانی را آن کسی معرفی می‌کند که «هست، و بود، و می‌آید». آیه هشتم، مسیح را آن کسی معرفی می‌کند که «هست، و بود، و می‌آید».

کلید گشودن مکاشفه عیسی مسیح، اصل الف و امگا است. مسیح، به عنوان اول و آخر، در زمان حال نیز وجود دارد، هرچند در گذشته بوده و در آینده نیز خواهد بود. این حقیقت که عیسی و پدر هر دو همان خدایی هستند که بود و هست و هنوز می‌آید، نمود دیگری از معرفی مسیح به عنوان الف و امگا است. او الف و امگا، اول و آخر، ابتدا و انتها است؛ و او در ابتدا بوده و در انتها نیز خواهد بود. «کلیدهای» ملکوت که به کلیسا در قیصریه فیلیپی داده شد، همان «کلیدی» نیز هست که در اشعیا ۲۲:۲۲ بر شانه الیاقیم نهاده شد. الفای کتاب مکاشفه، باب یک است و او مگای آن، باب بیست و دو؛ از این رو، تمام الفبای عبری را در باب‌های مکاشفه می‌یابیم. باب سیزده، عصیان ایالات متحده آمریکا و سپس جهان را بازنمایی می‌کند. باب یک، مسیح را به عنوان الف و امگا عرضه می‌دارد و باب بیست و دو همان حقیقت را معین می‌سازد، اما در پیوند با گشودنی که در باب یک ذکر شده است. باب‌های یک، سیزده و بیست و دو نماینده آن سه حرف عبری هستند که با هم واژه «حق» را تشکیل می‌دهند.

در باب بیست و سوم متی، عیسی هشت وای را بر فریسیان و صدوقیان اعلام می‌دارد. در آخرین آیه باب بیست و دوم، گفت‌وگوی مسیح با یهودیان جدل‌گر با معمای داوود پایان یافت؛ معمایی که تنها در صورتی می‌توان آن را حل کرد که اصل الف و امگا را دریافته باشید.

چون فریسیان گرد آمده بودند، عیسی از ایشان پرسید و گفت: درباره مسیح چه می‌اندیشید؟ او پسر کیست؟

به او گفتند: پسر داوود.

به ایشان گفت: پس داوود چگونه در روح او را خداوند می‌خواند و می‌گوید: «خداوند به خداوند من گفت: به دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پای تو اندازم؟» پس اگر داوود او را خداوند می‌خواند، چگونه او پسر اوست؟

و هیچ‌کس نتوانست در پاسخ او حتی یک کلمه بگوید، و از آن روز به بعد نیز هیچ‌کس جرأت نکرد دیگر از او سؤالی بپرسد. متی ۲۲:۴۱-۴۶.

اختتام باب بیست و دو نشانہ ای از تاریخ عہد را مشخص می سازد۔ ارمیا نیز به این رشتہ از حقیقت می پردازد:

کلامی کہ از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد، بدین سان کہ گفت: در دروازہ خانہ خداوند بایست و این کلام را در آنجا ندا کن و بگو: ای تمامی یہودا کہ از این دروازہ ہا برای عبادت خداوند داخل می شوید، کلام خداوند را بشنوید۔ خداوند لشکرہا، خدای اسرائیل، چنین می فرماید: راہ ہا و اعمال خویش را اصلاح کنید، و من شما را در این مکان ساکن خواہم ساخت۔ بر سخنان دروغین اعتماد نکنید کہ می گویند: این است ہیکل خداوند، ہیکل خداوند، ہیکل خداوند۔

زیرا اگر راہ ہا و اعمال خویش را بہ راستی اصلاح کنید، و اگر بہ درستی در میان انسان و ہمسایہ اش داوری را اجرا نمایند؛ اگر بر غریب و یتیم و بیوہ ظلم نکنید، و در این مکان خون بی گناہ نریزید، و بہ زبان خویش در پی خدایان دیگر نروید؛ آنگاہ شما را در این مکان، در زمینی کہ آن را تا ابد آباد بہ پدران شما دادم، ساکن خواہم ساخت۔ اینک شما بر سخنان دروغین توکل می کنید کہ سودی نمی بخشد۔ آیا دزدی خواہید کرد، و قتل، و زنا، و سوگند دروغ خواہید خورد، و برای بعل بخور خواہید سوزانید، و در پی خدایان دیگری کہ نمی شناسید خواہید رفت؛ و آنگاہ در این خانہ کہ بہ نام من خواندہ می شود، بہ حضور من آمدہ، بایستید و بگویید: «ما رہایی یافتہ ایم تا ہمہ این رجاسات را بہ جا آوریم؟»

آیا این خانہ کہ بہ نام من خواندہ می شود، در نظر شما بہ مغارہ دزدان مبدل شدہ است؟ اینک من نیز آن را دیدہ ام، خداوند می گوید۔ اما اکنون بہ مکانی کہ در شیلوہ بود، جایی کہ در آغاز نام خود را در آن نہادم، بروید و ببینید کہ بہ سبب شرارت قوم خود، اسرائیل، با آن چہ کردم۔

اور اب چونکہ تم نے یہ سب کام کیے ہیں، خداوند فرماتا ہے، اور میں نے تم سے بار بار اور سویرے اٹھ کر کلام کیا، مگر تم نے نہ سنا؛ اور میں نے تمہیں پکارا، مگر تم نے جواب نہ دیا؛ اس لیے میں اس گھر کے ساتھ، جو میرے نام سے کہلاتا ہے اور جس پر تم بھروسا رکھتے ہو، اور اس مقام کے ساتھ، جو میں نے تمہیں اور تمہارے باپ دادا کو دیا تھا، وہی کروں گا جو میں نے شیلوہ کے ساتھ کیا۔ اور میں تمہیں اپنی نظر کے سامنے سے نکال باہر کروں گا، جیسے میں نے تمہارے سب بھائیوں کو، یعنی افرائیم کی تمام نسل کو، نکال دیا۔ پس تو اس قوم کے لیے دعا نہ کر، نہ ان کے حق میں فریاد اور مناجات بلند کر، اور نہ میرے حضور ان کی سفارش کر، کیونکہ میں تیری نہ سنوں گا۔ یرمیاہ 16:7-16۔

یرمیاہ کو یہ کہا گیا کہ وہ قدیم اسرائیل کے لیے دعا نہ کرے، کیونکہ وہ ایسی حد کو پہنچ چکے تھے جہاں سے واپسی ممکن نہ رہی تھی، جیسا کہ بائیسویں باب کے آخر میں جھگڑالو یہودی بھی پہنچ گئے تھے۔ جب موسیٰ، (ایک عہد کا آدمی) خدا کے اس فیصلے کے روبرو ہوا کہ وہ اپنے برگزیدہ عہدی لوگوں کو ہلاک کرے، تو موسیٰ نے دعا کے ساتھ شفاعت کی۔ ساتویں باب میں یرمیاہ کو حکم دیا جاتا ہے کہ وہ انہی عہدی لوگوں کے لیے دعا نہ کرے۔ شیلوہ کی نبوتی تاریخ کو، جیسا کہ ایک آیت میں بیان ہوا ہے، اس بات کے سطر بہ سطر ثبوت کے طور پر شناخت کیا جاتا ہے کہ جب ایک برگزیدہ عہدی قوم کا گناہ ایسی حد کو پہنچ جائے جہاں اس کی مخلصی ممکن نہ رہے، تو خدا اسے رد کر دیتا ہے۔

افرائیم با بُت ہا پیوستہ است؛ او را واگذارید۔ ہوشع ۴:۱۷۔

در تاریخ عہد، آن نقطہ ای کہ خدا در آن بہ رابطہ عہدی خود پایان می دہد، نشانہ ای مشخص است۔ رد گزارش یوشع و کالیب کہ آزمون دہم را مشخص می سازد، نمونہ ای دیگر است۔ ہمچنین چند باب بعد، بہ ارمیا نیز گفتہ می شود کہ برای این قوم دعا نکند۔

پس تو برای این قوم دعا مکن، و برای ایشان فریاد یا استغاثہ برمی آور؛ زیرا در وقتی کہ بہ سبب مصیبت خویش نزد من فریاد برمی آورند، آنان را نخواہم شنید۔ ارمیا 11:14۔

در فصل ہفتم، بیرون افکنده شدن لائودیکیان در هنگام قانون یکشنبہ، چنان کہ بہ وسیلہٴ نماد شیلواح بازنمایی شدہ است، بیانگر آیندہ است، و او آنچه را کہ «خواہد کرد» در آیندہٴ نزدیک مشخص می‌سازد.

پس با این خانہ کہ بہ نام من خواندہ می‌شود و شما بر آن توکل دارید، و با مکانی کہ آن را بہ شما و بہ پدرانِتان دادم، همان خواہم کرد کہ با شیلوہ کردم. و شما را از حضور خویش بیرون خواہم افکند، چنان کہ ہمہ برادران شما، یعنی تمامی نسل افرایم را، بیرون افکندم. پس تو برای این قوم دعا مکن، و برای ایشان فریاد و تضرع برمیآور، و نزد من شفاعت منما؛ زیرا تو را نخواہم شنید. ارمیا ۱۴:۷-۱۶

در فصل یازدہم، فرمان دعا نکردن مربوط بہ ترسی است کہ لاودیکیان را فراخواہد گرفت هنگامی کہ خود را در زمان تنگی‌ای بیابند کہ در پی قانون یکشنبہ می‌آید. ترسی کہ آنان تجربہ می‌کنند، در بستر تاریخ ردّ عہد از سوی ایشان قرار دارد.

این سخنان این عہد را بشنوید و بہ مردانِ یہودا و ساکنان اورشلیم بگوئید؛ و بہ ایشان بگو، چنین می‌فرماید یہوہ، خدای اسرائیل؛

ملعون الرجل الذي لا يطيعُ كلماتِ هذا العهد، الذي أمرتُ به آباءكم يومَ أخرجتهم من أرض مصر، من كور الحديد، قائلاً: اسمعوا لصوتي واعملوا بها، بحسبِ كلِّ ما آمرکم به، فتكونوا لي شعباً وأنا أكون لكم إلهاً؛ لكي أقيم القسمَ الذي أقسمته لأبائكم، أن أعطيتهم أرضاً تفيضُ لبناً وعسلاً، كما في هذا اليوم.

پس من پاسخ دادہ، گفتم: چنین باد، ای خداوند. آنگاہ خداوند بہ من فرمود،

در شہرهای یہودا و در کوچہ‌های اورشلیم ہمہٴ این سخنان را اعلام کن و بگو: «سخنان این عہد را بشنوید و بہ آنها عمل کنید. زیرا از روزی کہ پدران شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا بہ امروز، پیوستہ و با سحرخیزی بہ ایشان ہشدار دادم و گفتم: آواز مرا اطاعت کنید. اما آنان اطاعت نکردند و گوش خود را فرانداشتند، بلکہ ہر یک در پندار دل شریر خویش راہ رفتند؛ از این رو تمامی سخنان این عہد را کہ بہ ایشان امر فرمودہ بودم بہ جا آوردند، بر آنان خواہم آورد، زیرا آنها بہ آنها عمل نکردند.»

و خداوند بہ من گفت: «در میان مردانِ یہودا و در میان ساکنان اورشلیم توطئہ‌ای یافت شدہ است. ایشان بہ گناہانِ پدرانِ خویش، کہ از شنیدن سخنان من امتناع ورزیدند، بازگشتہ‌اند؛ و در پی خدایانِ دیگر رفتند تا آنها را عبادت کنند. خاندان اسرائیل و خاندان یہودا عہد مرا کہ با پدرانشان بستم، شکستہ‌اند.»

لہذا خداوند یوں فرماتا ہے: دیکھو، میں اُن پر ایسی بلا لاؤں گا جس سے وہ بچ نہ سکیں گے؛ اور اگرچہ وہ میری طرف فریاد کریں، تو بھی میں اُن کی نہ سنوں گا۔ تب یہوداہ کے شہر اور یروشلم کے باشندے جا کر اُن معبودوں کے حضور فریاد کریں گے جن کے لیے وہ بخور جلاتے ہیں؛ لیکن وہ اُن کی مصیبت کے وقت اُن کو ہرگز نہ بچائیں گے۔ کیونکہ اے یہوداہ، تیرے شہروں کی تعداد کے مطابق تیرے معبود تھے؛ اور یروشلم کی گلیوں کی تعداد کے مطابق تم نے اُس شرمناک چیز کے لیے، یعنی بعل کے لیے بخور جلانے کو، مذبح قائم کیے۔

پس تو برای این قوم دعا مکن، و برای ایشان فریاد یا تضرعی برمیآور؛ زیرا هنگامی کہ بہ سبب مصیبت خویش نزد من فریاد برآورند، من ایشان را نخواہم شنید. ارمیا ۱۱:۱-۱۴.

رستاخیز نامزدها برای آن کہ در شمار یکصد و چہل و چہار ہزار باشند، در مکاشفہ 11:11 شناسایی شدہ است؛ و گردآوری نہایی ایشان در اشعیا 11:11 شناسایی شدہ است؛ و خط بیرونی اژدہا، وحش و نبی کذاب در دانیال 11:11 شناسایی شدہ است؛ دآوری قانون یکشنبہ پر گران در حزقیال 11:11 شناسایی شدہ است و مجازات و ہراسی کہ بر باکرہگان جاہل وارد می‌آید در ارمیا 11:11 شناسایی شدہ است.

«ores por este pueblo» es el hito señalado en los últimos versículos de Mateo Señor» capítulo veintidós, y el capítulo veintitrés identifica ocho ayes sobre el adventismo. El capítulo veintitrés es o bien el 22 de octubre de 1844, o bien la ley dominical. Ambos hitos son un cumplimiento del matrimonio, y el matrimonio es entre una esposa y un esposo, quienes se unen para ser una sola carne. La consumación del matrimonio representa la expiación, o "ser hechos uno". El hombre fue creado a imagen de Dios, y Él creó varón y hembra. Su descendencia está representada por veintitrés cromosomas del hombre y veintitrés de la mujer. Juntos, sus cuarenta y seis cromosomas constituyen el templo. Cada individuo es un templo, porque ¿no sabéis que sois templo del Señor»

تکمیل ازدواج، آنگاہ کہ آن دو یک تن می‌گردند، عبارت است از ترکیب دو ہیکل بیست و سہ تایی برای تشکیل یک ہیکل چہل و شش تایی. مسیح آن کسی است کہ ہیکل را بنا می‌کند، و کلیسای خویش را همچون ہیکل مؤنث بنا می‌نماید تا با ہیکل مذکر او متحد گردد. این اتصال زمانی رخ می‌دہد کہ ہیکل انسانی در قدس الاقداس ہیکل خدا با الوہیت پیوند می‌یابد. «بیست و سہ» نمادی از مہر شدن آن صد و چہل و چہار ہزار است، و آن کار در پایان نبوت دو ہزار و سیصد سالہ آغاز شد. متی بیست و سہ اعلام دآوری علیہ ادونتیسٹ‌های روز ہفتم لائودیکہ است، کہ بدلی از آن صد و چہل و چہار ہزار می‌باشند.

یکصد و چہل و چہار ہزار نفر، آن ہشتمی ہستند کہ از آن ہفت است، و ایشان همان کسانی‌اند کہ در روز ہشتم قیام می‌کنند؛ و آنان همان ہشت نفسی ہستند کہ در کشتی نوح بودند، و همان ہشت نسل سیث‌اند، و مہر بر پیشانی‌های ایشان، بہ ختنہ‌ای تمثیل شد کہ در روز ہشتم انجام می‌گرفت. ایشان همان کاهنانی ہستند کہ در روز ہشتم برای خدمت مسح می‌شوند، و اعلام ہشت وای بر ادونتیسٹ در باب بیست و سوم، اعلامی است بر ضد ہشتم جعلی.

احمق کنواریوں پر افسوس کا اعلان باب بائیس کی آخری آیت میں خدا کے لوگوں پر مہر کیے جانے سے پہلے واقع ہوتا ہے۔ باب بائیس، پیدائش کے باب بائیس کے مطابق ہے، کیونکہ عہد قدیم کی پہلی کتاب عہد جدید کی پہلی کتاب کی تمثیل پیش کرتی ہے۔ متی باب گیارہ سے باب بائیس تک کی نبوی ترتیب کے قلب میں، جو بارہ ابواب پر مشتمل ہے، ان بارہ ابواب میں چھٹا باب سولہ ہے، جہاں شمعون برجونا کا نام بدل کر پطرس رکھ دیا گیا۔

اور میں بھی تجھ سے کہتا ہوں کہ تُو پطرس ہے، اور اِس چٹان پر میں اپنی کلیسیا تعمیر کروں گا؛ اور عالم ارواح کے دروازے اُس پر غالب نہ آئیں گے۔ متی 16:18.

در متی، باب‌های یازدہ تا بیست و دو، ۴۵۹ آیہ وجود دارد. آیہ میانی، آیہ ہفدہم از باب شانزدہم است، اما آن آیہ را نمی‌توان از آیات ہجدہم و نوزدہم جدا کرد، زیرا آن‌ها یک بیان واحد ہستند.

اور یسوع نے جواب دے کر اُس سے کہا، مبارک ہے تُو، اے شمعون بن یونا، کیونکہ یہ بات تجھ پر جسم اور خون نے ظاہر نہیں کی، بلکہ میرے باپ نے جو آسمان پر ہے۔ اور میں بھی تجھ سے کہتا ہوں کہ تُو پطرس ہے، اور اِس چٹان پر میں اپنی کلیسیا تعمیر کروں گا، اور عالم ارواح کے پھاٹک اُس پر

غالب نہ آئیں گے۔ اور میں تجھے آسمان کی بادشاہی کی کنجیاں دوں گا؛ اور جو کچھ تو زمین پر باندھے گا وہ آسمان پر بندھا جائے گا، اور جو کچھ تو زمین پر کھولے گا وہ آسمان پر کھولا جائے گا۔ متی 16:17-19۔

El mismo centro de los capítulos once al veintidós es la declaración pactual fundamental para el cristianismo. En esa declaración, el nombre de Simón es cambiado a Pedro, lo cual, al aplicar la posición numérica que ocupa cada letra del idioma inglés —tal como "a" es uno y "z" es veintiséis—, se halla que "p" es 16, "e" es 5, "t" es 20, otra "e" es 5 y "r" es 18. Cuando se multiplican 16 X 5 X 20 X 5 X 18, el resultado es 144,000, y la referencia al cambio del nombre de Pedro, símbolo de relación pactual, se encuentra en el capítulo 16, versículo 18; y la primera letra de Peter es el número 16 y la última letra es el número 18. Todo esto está en el centro de doce capítulos que comienzan con el símbolo de once y terminan con el símbolo de veintidós

این خط همچنین در فصل‌های یازده تا بیست و دوی کتاب پیدایش یافت می‌شود، و در آن خط ۳۰۵ آیه وجود دارد که بدین‌سان فصل هفدهم و آیه یازدهم را به‌عنوان مرکز آن خط مشخص می‌سازد. آن خط دوازده فصلی نخستین کتاب عهد عتیق، عهد با ابراهیم را معین می‌کند، و نمایانگر خط آلفاست که در همان فصل‌های نخستین کتاب عهد جدید، با خط امگا تلاقی می‌یابد. مرکز خط امگا در متی، نقطه اوج رابطه عہدی صد و چهل و چهار هزار نفر است، که همان نشان عهد هستند که در هنگام قانون یکشنبه برافراشته می‌شود. آیه مرکزی خط پیدایش نه تنها آیه مرکزی را مشخص می‌سازد، بلکه گام دوم یا میانی عهد سه‌گانه با ابراهیم، و نیز به همان اندازه مهم، نشان عهد را نیز تعیین می‌کند.

او باید گوشتِ غُلفهٔ خود را مختون سازید؛ و آن نشانِ عهدی خواهد بود میان من و شما. پیدایش ۱۷:۱۱.

این مطالب را در مقالهٔ بعدی پی خواهیم گرفت.

«پس، هنگامی که او خاک و خاشاک، جواهرات بدلی و سکه‌های تقلبی را می‌روید، همهٔ آن‌ها همچون ابری برخاستند و از پنجره بیرون رفتند، و باد آن‌ها را با خود برد. در آن هیاهو، لحظه‌ای چشمانم را بستم؛ چون آن‌ها را گشودم، همهٔ زباله‌ها از میان رفته بود. جواهرات گران‌بها، الماس‌ها، و سکه‌های طلا و نقره، با فراوانی در سراسر اتاق پراکنده افتاده بودند.»

«سپس بر روی میز صندوقچه‌ای نهاد، بسیار بزرگ‌تر و زیباتر از آن پیشین؛ و جواهرات، الماس‌ها و سکه‌ها را مشت‌مشت گرد آورد و در صندوقچه افکند، تا آنکه حتی یکی نیز باقی نماند، هرچند برخی از الماس‌ها از نوکِ سنجاقی بزرگ‌تر نبودند.»

سپس مرا فراخواند تا «بیایم و ببینم.»

jsem se do schránky, ale mé oči byly tím pohledem oslněny. Zářily desetkrát větší 83,, slávou než dříve. Myslela jsem si, že byly obroušeny v písku nohama těch bezbožných osob, které je rozmetaly a pošlapaly v prachu. Ve schránce byly uspořádány v nádherném pořádku, každá na svém místě, bez jakékoli viditelné stopy námahy toho muže, který je tam vhodil. Vykřikla jsem velikou radostí, a ten výkřik mne probudil." Early Writings, 83,,

«شما آمدن خداوند را بسیار دور می‌پندارید. من دیدم که باران آخر، همانند [به‌ناگاه] فریاد نیمه‌شب، و با ده برابر قدرت، در حال آمدن بود.» Spalding and Magan, 5

و در جميع امور حكمت و فهم كه پادشاه از ايشان استفسار مى نمود، ايشان را ده چندان برتر از
تمامى مجوسيان و منجمان يافت كه در سراسر مملكت او بودند. دانيال ۲۰:۱.